

گزارش

آرامش قبل از طوفان جشنواره در روز هشتم

[شهروند] فیلم‌های «ریست یا تعارض»، «پدران» و «من می‌ترسم» در روز هشتم جشنواره در سینمای رسانه اکران شد و روز آرام و بی‌حاشیه‌ای را تا پیش از اکران فیلم «شین» به‌تهیه‌کنندگی شهاب حسینی ونشست‌خبری اورقم‌زد. تعارض البته نخستین ساخته سینمایی محمدرضا لطفی، روزنامه نگار و منتقد سینمایی بود که حالا در مقام کارگردان در جشنواره است؛ فیلمی که کاملاً متفاوت با فضا و فیلم‌های جشنواره بود. او در نشست خبری بعد از فیلم در ابتدای نشست با کنایه به برخوردهای دست‌اندرکاران فیلم‌ها با خبرنگاران گفت: «من از سال ۷۸ کار نقد و روزنامه‌نگاری می‌کنم و مفتخرم از اینکه از جامعه روزنامه‌نگاری وارد عرصه سینما شدم. یکی از چیزهایی که در جشنواره دیده‌ام نمی‌شود، زحمت شماس‌ت و از شمامی خواهم که به پرسشگری خود ادامه دهید.»

او بعد از عوامل فیلم خواست که به احترام اصحاب رسانه بایستند و دست بزنند. لطفی درباره اینکه چرا اثرش به‌عنوان فیلم اول در جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر حضور دارد، گفت: «فیلم اول من «روایت ناپدیدشدن مریم» بود که با پروانه ساخت ویدیویی ساخته شد و برای من فیلم غریزی است. معضل ما در جشنواره و سینما صدور پروانه ساخت ویدیویی و سینمایی است و باید حل شود. زمانی که برای آن فیلم درخواست پروانه دادم، پروانه ساخت ویدیویی برای آن صادر شد. این موضوع را به این دلیل متذکر شدم که بگویم ما برای فیلم «تعارض» نه تنها رانت نداشتیم، بلکه معضل هم داشتیم، «علی‌علایی منتقد حاضر در نشست هم درباره «تعارض» گفت: «من در ساختار فیلم نوعی بازیگوشی می‌بینم که لذت بخش است؛ به این دلیل که در راستای ساخته شدن جهان و فضای فیلم است. در ابتدا باید بدانیم در «تعارض» یک فیلم سایکودرام مواجه هستیم که فویبها و آرزوهای کاراکتر مطرح می‌شود. در این فیلم با جهان‌های موازی مواجه می‌شویم. سینمایی که در بهترین حالت فرمی بتواند به اتفاق‌های موسیقی خودش را نزدیک کند، موفق خواهد شد. در سینما وقتی زمان می‌شکند، شبیه‌نت چهارم در موسیقی است. این فیلم را نوعی روان‌درمانی اگزستانسیالیستی می‌دانم.»

فیلم‌پدران به کارگردانی سالم صلواتی هم‌قصه‌پسرانی بوده که واسطه پدران‌شان روایت می‌شود: «ما در فیلم به واسطه پدران می‌خواهیم داستان پسران را نشان دهیم، من پدر هستم و یک‌پسر ۹ساله دارم. این فیلم قرار بود پنج سال قبل ساخته شود که اگر این اتفاق در آن زمان می‌افتاد، تأثیر بیشتری داشت؛ زیرا در آن زمان مسائل اجتماعی اهمیت بیشتری داشتند. سعی کردیم داستان را سراسر است بیان کنیم، حتی اگر به آن نگاه تلویزیونی وارد شود. انتخاب نام «پدران» برای فیلم به خاطر پدرانی بوده که در فیلم حضور داشتند.» سالم صلواتی در ادامه گفت: «ترکیب بازیگران، از بازیگران چهره در فیلم‌های کوتاه و تئاتر بود. اگر چیزی در فیلم اشتباه است، به علت تجربه کم من است و سعی می‌کنم در فیلم‌های بعدی تمام تلاش‌م، را به کار بگیرم.»

فیلم «من می‌ترسم» اثر آخر بهنام بهزادی هم فیلمی اجتماعی بود که طی آن، به نقد استفاده از قدرت رسانه و فساد پرداخت. بهنام بهزادی، کارگردان فیلم هم در نشست خبری بعد از اکران آن گفت که تا به امروز به‌گیشه‌هاج ن داده‌است ولی با این روند فعلی سینما شاید مجبور باشد به سمت آن نوع سینما هم برود: «متقدمه سینمای ما به چهره‌های جدید نیاز دارد و البته دلم می‌تپد که با بازیگران غیر حرفه‌ای کار کنم. بازیگران حرفه‌ای با همه مزیت‌هایی که دارند، ولی گاهی حتی عوامل پشت دوربین هم بابتش تغییر می‌کنند. البته در این فیلم خوشبختانه چنین مسأله‌ای نداشتیم. به‌نظرم الان از شاگردوست پتانسیل و انگیزه زیادی در این کار داشت و باز هم دارد. تا کارهای تجربی و مستقل حضور داشته باشد.» به هرحال هر سه فیلم نشست‌های تقریباً آرام و بی‌سروصدایی داشتند اما در سانس آخر و بعد از اکران فیلم «شین» شهاب حسینی انتقادات تندی را درباره منتقدان و کسانی که در فضای مجازی فحش داده‌اند مطرح کرد. □

حاشیه

فیلم «شین» خارج از جشنواره در سینمای رسانه اکران شد

شب گرد و خاک شهاب حسینی



[شهروند] فیلم «شین» به کارگردانی میثم کزازی که شهاب حسینی به تازگی تهیه‌کنندگی‌اش را قبول کرده است، شنبه‌شب در سانس پایانی سینمای رسانه و همزمان با پخش مستندهای جشنواره اکران شد و اگرچه این فیلم خارج

از جشنواره بود اما بعد از آن نشست خبری هم برگزار شد. شهاب حسینی همان ابتدا، درباره سینما و حاشیه حرف‌هایش برای جشنواره فیلم فجر صحبت کرد و حتی کنایه‌هایی را هم علیه تحریم‌کنندگان جشنواره مطرح کرد.

او به صراحت گفت که این نشست چندان برای فیلم «شین» نیست و او آمده تا پس از مدتی که فقط حرف یا به قول خودش فحش خورده، حرف‌هایش را بگوید. حسینی از مردم و در واقع مخاطبانش گله کرد که وقتی برایشان «فسفر سوزانده تا چند خط ادبی و با توسل به اشعاری از حافظ و سعدی بنویسد» چیزی جز فحش نتارش نکردند: «دیگر تعارف بین من و مخاطبم از بین رفته و حالا من لزومی نمی‌بینم که فراتر از توانم تواضع کنم. من دوسال به کشورهای مختلف سفر کردم که برای کشورم کار فرهنگی انجام دهم، در همین سفرها، دیدارهایی را رابرت دنیرو داشتم و صحبت‌م این بوده است که قصه‌های ایرانی قابلیت تبدیل شدن به قصه‌های جهانی را دارد.»

او در بخش دیگری از حرف‌هایش در نقد حرف‌های مسعود کیمیایی گفت که کارگردان پیشکشوتی که در این چندسال مخاطبان دیگر رغبت چندانی به کارهایش ندارند، جشنواره را تحریم و روغن ریخته را نذر امامزاده کرده است. شهاب حسینی البته به صحبت‌ها و انتقادات حاتمی‌کیا درباره خارج کردن فیلم «خروج» از فهرست آرای مردمی با نظر دولت گفت که این مسأله صحت ندارد و دولت با پذیرش انتقادات‌ها، خواهان خارج شدن فیلمی از جشنواره برای این‌گونه دلایل نبوده‌است.

او البته در مقابل سوالات خبرنگاران درباره جشنواره فیلم «کن» و اینکه چرا همان جایزه‌اش را به امام زمان (عج) تقدیم نکرده و این موضوع را در تهران اعلام کرده است، صمبانی شد. او با گله‌مندی از همکارانش که تا لحظات آخر اعلام جایزه در جشنواره کن این موضوع را به او نگفته‌اند اعلام کرد، اگر خبر داشت حتما با آمادگی بیشتری روی صحنه می‌رفت. □



مسعود کیمیایی نیامد، نشست «خون شد» لغو شد

جواد نوروزبیگی، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «خون شد» به کارگردانی مسعود کیمیایی اعلام کرد که نشست این فیلم در روز ۲۰ بهمن ماه در سینمای رسانه لغو شد. تهیه‌کننده «خون شد» قبل از نخستین نمایش فیلم تازه مسعود کیمیایی در پردیس ملت گفت: «به احترام اهالی رسانه قبل از شروع فیلم اینجا آمده‌ایم تا شما را به دیدن فیلم دعوت کنیم. نشست پرسش و پاسخ فیلم لغو شد اما امیدواریم شرایطی پیش بیاید تا آقای کیمیایی در جمع شما حضور یابد.» علیرضا زرین‌دست، مدیر فیلم‌برداری فیلم هم به جای خالی کیمیایی اشاره کرد و گفت: «امیدوارم از «خون شد» راضی باشید. من از طرف آقای کیمیایی از شما تشکر می‌کنم.» لیلا زارع، بازیگر فیلم سینمایی «خون شد» هم اظهار امیدواری کرد: «شرایطی پیش بیاید که به نظر هم احترام بگذاریم.» پیش از این، انصراف مسعود کیمیایی از جشنواره فیلم فجر حرف و حدیث‌های زیادی را رقم زد و حتی در روزهای گذشته هم اعلام کرده که دیگر باز نخواهد گشت.

نسل گذشته تداعی شود. جذابیت این فیلم دیدن سکناس‌ها و نماهایی است که مدت‌ها از سینما دور مانده‌اند. ما نمی‌توانیم بخشی از سینما را ندید

بگیریم. سینمای قبل از انقلاب و بعد از انقلاب را نمی‌توان جدا از هم دانست. سینما پیوسته بوده و هست. «سینما شهر قصه» ادای دین به سینمایی که با فرازونشیب‌های فراوانی همراه بوده است. «سینما شهر قصه» برای من ادای دین به بازیگران و کارگردان‌هایی است که سال‌ها برای این سینما زحمت کشیدند تا فیلم‌های خوب در تاریخ سینمای ایران را رقم بزنند.

●●● در این فیلم از حضور بازیگرانی استفاده کردید که نقش‌های تک‌سکانس زیادی داشتند. مخالفتی از سوی این بازیگران برای حضور در این سکناس‌های کوتاه بود یا خیر؟

من و دوست خوبم امید بنکدار سال‌ها با هم کار کردیم و کارمان را از ساخت فیلم‌های کوتاه شروع کردیم. ما با بازیگران زیادی در ارتباط بودیم. من برای یک سکانس کوتاه از هدیه تهرانی بازیگر توانمند سینما درخواست کردم که حضور داشته باشند و ایشان با شرح داستان فیلم پذیرفتند و همچنین زنده‌یاد جمشید مشایخی که خوشحالم این اتفاق افتاد. با دیگر دوستان بازیگر همانند حمید پگاه هم سال‌ها کار کرده‌ایم. به نوعی این ارتباط و اعتماد تا امروز ادامه داشته‌است.

●●● درباره تدوین این فیلم که توسط سیاوش پورخلیلی انجام شده، صحبتی دارید؟ قطعاً در تدوین هم خلاقیت‌های زیادی موج می‌زند.

من پیش از تولید این فیلم، با سیاوش پورخلیلی صحبت کردم. در واقع با تدوینگر همراه بودم تا آنچه مدنظر بود، در این فیلم شکل گرفت. تدوین در این فیلم خیلی وابسته به فضای کارگردانی بود. باید دو بخش زمانی در این فیلم به نوعی تدوین می‌شد که قابل تشخیص باشد. اتفاق زمانی را با سکناس‌های خش‌دار و نور توانستیم به زمان گذشته برگردانیم. واقعا تدوین این کار نیاز به زمان داشت.

●●● در انتها صحبتی درباره این دوره از جشنواره فیلم فجر دارید؟

امیدوارم «سینما شهر قصه» در این دوره از جشنواره دیده شود. همان‌طور که از سوی هیأت داوران انتخاب شد، در بخش‌های دیگر هم برای دریافت سیمرغ دیده شود. تا الان خوشبختانه بازتاب خوبی از نمایش فیلم داشته‌ایم. امیدوارم در اکران عمومی هم فیلم موفق شود. □

هم برگرفته از آنها چه نوع بیان دیالوگ و حتی نحوه لباس‌پوشیدن همه از آن دنیا می‌آید.

●●● فیلم شما داستانی متفاوت بخشی از سینما را مفهوم خاصی را قرار است به تماشاگر القا کنید که فیلم‌های گذشته بهتر از امروز است یا خیر؟ در این باره صحبتی دارید؟

سینما بخشی از اتفاقات را ناخودآگاه در دل تاریخ قرار می‌دهد. شاید در سال‌های دور در سینما تولیدات کمتری داشتیم، اما فیلم‌ها به لحاظ کیفی واقعا ارزشی و قابل بررسی بودند. حتی می‌شد درباره یک فیلم ساعت‌ها به صحبت نشست و دیالوگ‌ها را آنالیزه کرد. نمی‌دانم چرا فیلم‌ها دیگر همانند دهه‌های گذشته سینما نیستند. دوست داشتم این تفاوت را به‌گونه‌ای نشان دهم که مخاطب واقعی سینما هم آن را درک کند. به هرحال فیلم پر از نشانه‌هایی است که مخاطب می‌تواند با آن ارتباط بگیرد.

●●● در طراحی نقاط ضعف و قوت شخصیت‌های فیلم‌تان چقدر وامدار واقعیت بودید و چقدر به نفع قصه آنها را دراماتیزه کردید؟

واقعیت امری نسبی است و براساس زاویه نگاه هر فرد خوانش متفاوتی را می‌طلبد. سینمایی که من به دنبال آن هستم، سینمایی است که واقعیت را در چارچوب همان فیلم دنبال می‌کند، سینمایی که به واقعیت بیرونی دامن می‌زند. «سینما شهر قصه» واقعا فیلم سخت اما لذت‌بخش بود. درواقع خلق شخصیت‌هایی که پیش از این در سینما دیده بودیم، حالا و درشرایط امروز قرار بود دوباره آنها را ببینیم.

●●● بازیگران این فیلم چطور توانستند با نقش‌های خود ارتباط برقرار کنند؟

من تنها موردی که از همه بازیگران این فیلم خواستم این بود که فیلم‌های دوره‌های گذشته سینما را ببینند و آن طرفات‌هایی که لازم بود را دقت کنند. خوشبختانه همه این دوستاتم، بیشترین دقت خود را گذاشتند تا نقاط ظریف و مهم را اجرا کنند. نتیجه هم فیلمی است که می‌بینید.

●●● رویکرد شما در کل آثار در سینمای ایران نگاهی نوستالژیک و خاطره‌انگیز است. چرا؟

من این‌گونه از سینما را دوست دارم. به نظرم ساخت و فضای موجود در آن سال‌ها واقعا دلنشین است. حداقل این است که نسلی را یا نسل امروز همراه می‌کنید. نسلی که از سینمای گذشته خاطرات فراوانی دارند. امیدوارم با دیدن این فیلم، خاطرات

✍️ **[صبا شادور]** «سینما شهر قصه» فیلمی

به کارگردانی مشترک کیوان علی‌محمدی و علی‌اکبر حیدری و نویسندگی و تهیه‌کنندگی کیوان علی‌محمدی از فیلم‌های حاضر در بخش سودای سیمرغ سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر است. فیلمی با مضمون کلی از تاریخ سینمای ایران که به نوعی آدم‌های عاشق سینما در یک فیلم سینمایی جمع شده‌اند تا یک داستان را روایت کنند. گاهی صداها و تصاویر همان اتفاق‌هایی را به وجود می‌آورد که مدت‌ها از این تصاویر در سینمای ایران دور بوده‌ایم. داستان فیلم درباره عشق پسری از خانواده‌ای سلطنت‌طلب به دختری از خانواده‌ای انقلابی است که مسیر عشق این دختر و پسر از قبل از انقلاب ایران آغاز می‌شود و در بستر تاریخ معاصر ایران پیش می‌رود. یکی از نکات جالب این فیلم حضور هدیه تهرانی و زنده‌یاد جمشید مشایخی برای بازسازی سکناسی از فیلم کاغذ بی‌خط ناصر تقوایی است. علی‌محمدی که کارگردانی فیلم‌هایی همچون گیلدا، ارغوان، شبانه و شبانه‌روز را درکارنامه حرفه‌ای خود دارد، درباره این فیلم می‌گوید، «سینما شهر قصه» ادای دین به سینمایی که با فرازونشیب‌های فراوانی همراه بوده است. «سینما شهر قصه» برای من ادای دین به بازیگران و کارگردان‌هایی است که سال‌ها برای این سینما زحمت کشیدند تا فیلم‌های خوب در تاریخ سینمای ایران را رقم بزنند. با علی‌محمدی کارگردان این فیلم به گفت‌وگو نشست‌هایم که در انتها می‌خوانیم:

●●● ایده ساخت فیلم «سینما شهر قصه» از کجا آمد؟

مدت‌ها بود به قصه این فیلم فکر می‌کردم. دوست داشتم فیلمی بسازم که تمام شخصیت فیلم‌های ایرانی در آن حضور داشتند، اما ساخت چنین فیلمی در کنار یک خط داستانی کمی سخت است. در واقع ارتباط خط داستانی با شخصیت‌هایی که یک‌بار آنها را روی پرده سینما دیده‌ایم، واقعا کار مشکلی بود. به‌ویژه اینکه به نظرم این فیلم یک ادای دین به تمام هنرمندان سینماست.

از طرفی «سینما شهر قصه» تاریخ معاصر ما، از پیش از انقلاب تا امروز را روایت می‌کند؛ با این تفاوت که زاویه دید این فیلم سینماست؛ یعنی تاریخ معاصر را روایت کرده و در دل آن تاریخ سینمای ایران را هم مرور می‌کنیم. پرداختن به یک داستان موازی در کنار تمام صحنه‌هایی که از فیلم‌های گذشته نشان داده‌ام، به نوعی تماشاگر امروز را همراه با خود دارد.

●●● در ادامه فیلم بخش‌هایی کم‌دی هم در طول داستان می‌بینیم. چطور به این روند برای تعریف قصه رسیدید؟

«سینما شهر قصه» فیلمی مُرح در ژانر کم‌دی عاشقانه است؛ یعنی هم‌زمان در یک داستان عاشقانه، علاقه و عشق آدم‌ها به سینما را هم می‌بینیم. اما نمی‌خواستم که تیم کم‌دی آن بیش از این شود. درواقع با توجه به نیاز قصه، داستان را طوری پیش بردم که تماشاگر را وابسته به فیلم‌های گذشته نکنم. از طرفی برای تغییر فضای موجود، نیاز بود تا کمی هم تیم کم‌دی داشته باشد.

●●● در انتخاب بازیگران به سراغ بازیگری رفته‌اید که نقش مهم و کلیدی در این فیلم داشت. اتفاقاً او هم چه به لحاظ چهره و گریم یادآور شخصیتی خاص در ذهن تماشاگر است. در این باره صحبتی دارید؟

بله، در این فیلم بازیگران را براساس کاراکترهای خاص آنها انتخاب کردم. سیاوش مفیدی یکی از بازیگرانی بود که واقعا کار با او برایم لذت‌بخش بود و توانست به خوبی آنچه در ذهن من می‌گذشت را به تصویر درآورد. در دهه‌های مختلف سینما، بازیگران الگو می‌شدند، به‌عنوان مثال مدل مو یا کفش «قصری» موجی می‌شد که همه جوان‌ها در آن مسیر حرکت می‌کردند. به همین دلیل بازیگران من سمت این تیپ‌ها می‌رفتند و شخصیت آنها شکل می‌گرفت. همان‌طور که گفتم فیلم ادای دین به چند فیلم مهم تاریخ سینماست که شخصیت‌ها